

---

## نقش اجتماعی - اقتصادی زنان در روستای آهندان (لاهیجان)

---

فریده سرحدی، دکتر ناهید مطیع، آذر نیک‌ذات مرضیه خجسته‌فر، زهرا صارمی

(خانم مطیع: مدرس دانشگاه آزاد اسلامی.)

دیگران: کارشناسان مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

---

نوشته حاضر خلاصه‌ای از یک پژوهش میدانی است که در زمینه بررسی اجتماعی - اقتصادی نقش زنان در روستای «آهندان» از توابع شهرستان لاهیجان انجام شده است. شکل این پژوهش به گونه‌ای است که آن را به تک‌نگاری «Monography» نزدیک ساخته است.

در این بررسی سعی شده است فراگرد مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی و اهمیت کار زنان در اقتصاد خانوار و نیز سهمی که این گروه در تولید اقتصادی دارند، روشن شود.

---

### کلیات: طرح تحقیق

#### (۱) هدف تحقیق:

در این بررسی سعی بر این است تا سهم واقعی زنان در تولید کشاورزی و اهمیت آنان در اقتصاد خانوار روشن شود. در واقع در روستای «آهندان» شاهد همزیستی دو نظام تولیدی بهره‌برداری تجاری و معیشتی در کنار یکدیگر هستیم که ادامه حیات یکی بدون دیگری امکانپذیر نیست.

در این گزارش محاسبه با فرض براینکه این محصولات تماماً به فروش می‌رسد، انجام شده و با توجه به قشربندی که براساس میزان زمین چای و برنج صورت گرفته به‌سنجش فعالیت زنان در مقایسه با مردان چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی پرداخته شده است. در این بررسی هدفهایی مورد نظر است که عبارتند از:

(۱) بررسی وجه اقتصادی فعالیت زنان که شامل موارد زیر می‌شود:

الف) بررسی هزینه‌های خانوارهای کشاورز در کشت برنج و چای و محاسبه سهم زنان در کاهش آنها.

ب) بررسی هزینه‌های معیشتی خانوارهای کشاورز و محاسبه سهم زنان در کاهش آنها.

ج) بررسی هزینه‌های نوزادداری خانوار و سهم زنان در تولید آنها.

(۲) بررسی وجه اجتماعی فعالیت زنان که شامل موارد زیر است:

الف) بررسی وضعیت جمعیتی روستای آهندان از نظر شاخص‌های عمده جمعیتی و تعیین موقعیت زن در هر یک از آنها.

ب) بررسی نظام خانواده و خویشاوندی و تعیین جایگاه زن در آن.

## ۲) روش تحقیق:

از آنجا که برای بررسی نقش زنان روستایی «آهندان» باید کلیه جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زندگی ایشان مورد توجه قرار می‌گرفت، روش موردی (case study) برای مطالعه انتخاب شده است. در این روش واحد مورد مطالعه به منزله یک کل نگریسته می‌شود، یعنی یک مورد خاص به‌عنوان یک واحد مستقل در نظر گرفته شده است. در انتخاب جامعه آماری مناسب از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای یا مرحله‌ای استفاده شده، و برای نمونه‌گیری از خانوارهای روستایی آهندان از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی یا قشربندی تناسبی استفاده شده است. پس از تعیین طبقات خانوار نمونه (خانوابی‌زمین، خانوار کم‌زمین، خانوار متوسط، خانوار مرفه) ده درصد از هر طبقه به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و در مجموع از کل ۲۵۳ خانوار روستایی، ۲۵ خانوار مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرند. واحد تحلیل در جامعه آماری را زنان روستایی که حداقل دارای یک فرزند بودند، تشکیل می‌داد.

## ۳) روش جمع‌آوری اطلاعات:

اطلاعات مورد نیاز در این تحقیق از طریق مشاهده مستقیم، تکمیل پرسشنامه، مصاحبه با روستاییان و کارشناسان منطقه و مطالعه کتابخانه‌ای گردآوری شده است. پرسشنامه‌های این تحقیق در چهارگونه پرسشنامه آبادی، هزینه تولید محصولات تجاری، هزینه تولید محصولات مصرفی و پرسشنامه خانوار تهیه و تنظیم شده است.

## معرفی جامعه مورد بررسی روستای «آهندان»

### ۱) موقعیت جغرافیایی:

روستای آهندان یکی از ۷۸ روستای دهستان حومه است که در ۳ کیلومتری جنوب شهرستان لاهیجان قرار دارد. و جزء روستاهای کوهپایه‌ای محسوب می‌شود.

وسعت این ده ۲۱۰ هکتار است. کل زمینهای زراعی آن ۷۰ هکتار، مساحت زمین باغها ۱۳۰ هکتار و حدود ۱۰ هکتار آن مخروطه و نیمه جنگلی است. آب و هوای ده گرم و مرطوب است. از لحاظ شکل ده می‌توان گفت که این روستا از نوع نیمه پراکنده است. به این مفهوم که نوعی تمرکز بین مناطق مسکونی و باغهای چای و مزارع برنج وجود دارد. واحدهای مسکونی ده عموماً از خشت و گل و در و پنجره چوبی و بامهای «گالی» پوش بنا شده است. فرم قرارگیری واحدهای مسکونی و تجمع آنها در مرکز ده و در اطراف جاده اصلی است.

## ۲) ویژگیهای اجتماعی:

### الف) جمعیت:

براساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۶۵ جمعیت آهندان برابر با ۱۱۱۹ نفر و مشتمل بر ۲۶۶ خانوار بوده است. حال آنکه در سال ۱۳۵۵ این روستا دارای ۹۴۹ نفر که در ۱۴۴ خانوار زندگی می‌کرده‌اند، بوده است. رشد جمعیت این روستا در دهه ۵۵ تا ۶۵ رقمی معادل ۱/۷ درصد می‌باشد که در مقایسه با رشد جمعیت کل روستاهای ایران ۱/۴ درصد بیانگر رشد جمعیت بالایی است. یکی از دلایل بالا بودن رشد جمعیت این روستا عدم مهاجرت دائمی ساکنین روستا بوده است.

بیشترین درصد گروههای سنی در روستای آهندان در گروه سنی ۱۹ - ۱۵ سال (۲۰ درصد) و کمترین درصد آن در گروه سنی ۶۵ سال به بالا قرار می‌گیرد. توزیع جمعیت برحسب جنس در این روستا، نشان می‌دهد که ۴۸/۴ درصد کل جمعیت را مردان و ۵۱/۶ درصد را زنان روستایی تشکیل می‌دهند. در این روستا ۴۸ درصد مردان و ۴۶/۳ درصد زنان متأهلند.

متوسط بعد خانوار در روستای آهندان برابر ۴/۵ نفر است. بعد خانوار در قشرهای مختلف

روستایی به ترتیب زیر طبقه‌بندی شده است.<sup>۱</sup>

- قشر بی‌زمین ۴/۵ نفر

۵/۱ نفر	- قشر کم زمین
۴/۶ نفر	قشر متوسط
۷/۷ نفر	- قشر مرفه

### ب) مهاجرت:

به طور کلی ۳/۴ درصد مردان روستا مهاجرت فصلی دارند. مهاجرت مردان در فصل پائیز و زمستان به حداکثر می‌رسد. (به ترتیب ۳۵/۴ و ۲۹/۴ درصد).

از کل جمعیت مورد مطالعه در روستای آهندان، ۱۵ درصد از افراد مهاجرت دائمی داشته‌اند که ۷/۲ درصد از زنان و ۷/۸ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. البته لازم است گفته شود. که زنان مهاجرت تبعی داشته‌اند.

### ج) همسرگزینی:

در روستای آهندان ازدواج به دو صورت درون گروهی و برون گروهی صورت می‌گیرد. کلیه زنان نمونه قشر بی‌زمین با غریبه (قشر بی‌زمین) ازدواج کرده‌اند. در حالیکه ۵۷ درصد خانواده‌های کم زمین با فامیل وصلت کرده‌اند. در مورد قشر متوسط و مرفه نیز، تراکم ازدواج با همولایتی از سایر موارد بیشتر است و ۵۸ درصد زنان گروه متوسط و ۷۵ درصد زنان گروه مرفه با همولایتی ازدواج کرده‌اند.

### د) ساخت خانواده:

به طور کلی در روستای آهندان با دو نوع ساخت متفاوت خانوادگی روبه‌رو هستیم. خانواده پدر مکانی مستقل و خانواده زن و شوهری که البته به تدریج نوع اول به خانواده نوع دوم تبدیل می‌شود. در این روستا جمعاً ۳۲ درصد خانوارهای نمونه، خانواده پدر مکانی مستقل محسوب می‌شوند. که این نسبت برحسب قشرهای مختلف متفاوت است. یعنی در خانواده‌های خرده پا و کم زمین ۱۴

درصد، در خانواده‌های دارای زمین متوسط ۴۲ درصد و در خانواده‌های مرفه ۵۰ درصد از نوع خانواده پدر مکانی مستقلند.

### ۵) آموزش:

به‌طورکلی ۶۹/۷ درصد جمعیت نمونه در روستای آهندان باسوادند. این روستا دارای یک دبستان، و دو مدرسه راهنمایی دخترانه و پسرانه است. بررسی و مقایسه افراد لازم‌التعلیم در سال ۱۳۶۶ نشان داده است که کلیه دختران و پسران دوره ابتدائی و راهنمایی مشغول به تحصیلند. اما در دوره دبیرستان، ۲۸/۵ درصد دختران به علت ازدواج ترک تحصیل کرده‌اند و ۱۴ درصد پسران با رفتن به جبهه تحصیل خود را ناتمام گذاشته‌اند.

### ۳) نحوه تصمیم‌گیری:

به‌طورکلی نشاء و وجین برنج و برداشت چای از جمله عملیات زراعی کاربر است و معمولاً نیروی کار زنان خانوار برای انجام عملیات فوق کافی نیست. از این رو خانوار به‌استخدام کارگر و یا استفاده از نیروی کمکی یا «یاور» مبادرت می‌کند. بنابراین از آنجا که انتخاب «یاور» در این روستا عمدتاً به‌عهده زنان است و چون عملیات زراعی فوق نیز به‌عهده زنان است در تصمیم‌گیریهای مربوط به‌استخدام کارگر شرکت دارند. به‌طوری که ۲۵ درصد زنان گروه کم زمین، ۴۰ درصد زنان گروه متوسط و ۲۵ درصد زنان گروه مرفه در این امر شرکت دارند.

در مورد تعیین وظایف اعضای خانوار در امور کشت و یا مدیریت واحد زراعی، زنان اقلشار مختلف نسبت به سایر موارد تصمیم‌گیری، سهم بیشتری دارند. به‌طوری که در ۲۷ درصد خانوارهای متوسط زنان به‌تنهایی و در ۲۹ درصد گروه کم‌زمین و ۲۵ درصد گروه مرفه، زن و مرد مشترکاً تصمیم می‌گیرند.

به‌طورکلی نقش زنان در تصمیمات کلیدی مثل فروش محصول، خرید نهاده‌ها و وسایل کشاورزی، خرید لوازم سنگین منزل، تحصیل و ازدواج فرزندان ناچیز است.

#### ۴) شیوه بهره‌برداری:

اهالی این روستا عمدتاً به کشت برنج و چای و پرورش کرم ابریشم می‌پردازند. شیوه بهره‌برداری از واحدهای زراعی به صورت بهره‌برداری خانوادگی و در نتیجه تملک زمین به صورت خصوصی است که غالباً در قطعات مجزا از یکدیگر قرار دارند و در نتیجه از بهره‌برداری اشتراکی که جلوه‌های آن به صورت «حراثت» و «بنه» است، اثری دیده نمی‌شود.

در حال حاضر در روستای آهندان خرده مالکی وجه غالب نظام تولیدی است. بررسی نشان می‌دهد که در این روستا نزدیک ۵۰ درصد قشر متوسط، ۱۶ درصد را قشر مرفه و ۲۷ درصد را قشر کم زمین و ۷ درصد بقیه را بی‌زمینها یا مهاجران به این روستا تشکیل می‌دهند.

#### ۵) اشتغال:

به طور کلی در روستای آهندان ۴۹ درصد افراد از نظر اقتصادی فعالند که ۲۳/۷ درصد آنان را مردان و ۲۵/۳ درصد را زنان تشکیل می‌دهند.

جدول شماره ۱ نوع و درصد فعالیت افراد شاغل در روستای آهندان

جمع (درصد)	جنس		نوع فعالیت		
	زن	مرد	زن	مرد	
۴۵/۳	۶۳/۶	۲۱	۲۵/۸۰	۸	کارکنان خانوادگی
۲۳/۴	۹/۰۹	۳	۳۸/۷۰	۱۲	کارکنان مستقل
۶/۲۵	۶/۱	۲	۶/۴۵	۲	کارگر کشاورزی
۹/۳	۱۵/۱	۵	۳/۲۲	۱	کارکنان خانوادگی و کارگر کشاورز
۱۲/۵	۶/۱	۲	۱۹/۳۵	۶	کارکنان مستقل و کارگر کشاورزی
۳/۱۵	—	—	۶/۴۵	۲	سایر
	۱۰۰	۳۳	۱۰۰	۳۱	جمع

### فعالیت‌های اقتصادی روستا:

تا قبل از اصلاحات ارضی در روستای آهندان نیز همچون اکثر روستاهای منطقه گیلان شیوه غالب بهره‌برداری از زمین به شکل اجاره‌داری بوده است. معمولاً قرارداد اجاره بین مالک و زارع به صورت یک‌ساله تنظیم و در پایان سال در صورت رضایت مالک از کار زارع این قرارداد مجدداً تجدید می‌شد. آنچه بیش از هر چیز اهمیت داشت وجود نیروی کار در خانواده زارعین بود مالک با توجه به میزان عائله زارع زمین وسیع‌تری در اختیار وی می‌گذاشت.

تا قبل از اصلاحات ارضی نقش زنان خانوار روستایی در مراحل مختلف زراعت اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت. در مراحل مختلف کاشت برنج زنان متحمل زحمات بسیاری می‌شدند. تهیه کودسبز، نشاء، وجین و کمک در درو محصول و خشک کردن آن بعده زن قرار داشت. زنان با وسیله‌ای سنتی به نام «جاکو» (Jako) محصول برنج را خرم‌نکوبی می‌کردند و با وسایل سنتی دیگری به نام‌های «پادنگ» (Padang) و «آبدنگ» (abdang) برنج‌کوبی می‌کردند.

چاپیکاری نوع دیگری از تولید رایج در این دوره بود. عملیات «بلوزدن» و چای‌چینی که دو مرحله عمده این کار تولیدی است بر عهده زنان قرار داشت. از دیگر فعالیت‌های رایج این دوره کشت کنف است. که به غیر از تهیه و آماده‌سازی زمین و آبیاری سایر عملیات کشت کنف بر عهده زنان قرار داشت. نوغان‌داری و بافت ابریشم از فعالیت‌های جنبی روستا در این دوره است. کار ابریشم‌بافی به شیوه کاملاً سنتی و اغلب به وسیله زنان انجام می‌گرفت. از دیگر فعالیت‌های زنان در این دوره سبببافی و حصیربافی، و خدمتکاری و یا خدمتگذاری در خانه مالک و مباشرین بود. که این عمل عمدتاً به صورت بیگاری و بدون پرداخت دستمزد انجام می‌شد.

پس از اصلاحات ارضی بر اثر اجرای قوانین اصلاحات ارضی در مرحله دوم، اراضی که در اجاره زارعین بود به خود ایشان تعلق گرفت و زارع با اقساط ۱۲ ساله، میزان اجاره بهای سالانه زمین را به صورت نقدی می‌پرداخت. از طرفی زراعینی که عائله بیشتری داشتند زمین بیشتری را تصاحب کردند.



در این دوره نیز زنان همچنان در زنجیره تولید محصولات کشاورزی نقش بسزایی داشتند ولی به تدریج با به کارگیری بیشتری داشتند زمین بیشتری را تصاحب کردند.

در این دوره نیز زنان همچنان در زنجیره تولید محصولات کشاورزی نقش بسزایی داشتند ولی بتدریج با به کارگیری روشهای مکانیزه در مراحل مختلف کشت از بار کار ایشان کم شد.

به طور کلی در روستای آهندان سه دسته فعالیت اقتصادی وجود دارد که اغلب به نحوی مستقیم یا یکدیگر مرتبط و آمیخته‌اند، این سه دسته فعالیت عبارتند از:

(۱) فعالیتهای کشاورزی (تجاری)

(۲) فعالیتهای معیشتی

(۳) فعالیتهای خانگی یا خانه‌داری

### (۱) فعالیتهای کشاورزی:

فعالیتهای کشاورزی در روستای آهندان شامل برنج، چای، نوغانداری و کشت کنف است که اخیراً کشت کنف به طور کلی منسوخ شده است.

در تمام اقسام روستایی از جمله روستای آهندان شالوده سازماندهی تولید برنج، چای و نوغانداری بر پایه سه گروه از نیروی کار قرار گرفته است که عبارتند از: (۱) نیروی کار خانوادگی (۲) نیروی کار یابوری (۳) نیروی کار دستمزدی. در گزارش حاضر مراحل کشت، تقسیم کار و هر یک از سه نیروی کار در فعالیتهای کشاورزی، توضیح داده شده است.

### ۱ - ۱) کشت برنج:

روش کار در برنجکاری به طریق نیمه‌سستی است به این صورت که در شخم و خرمنکوبی فقط از ماشین استفاده می‌شود و سایر مراحل آن با نیروی کار انسانی و با کمک دست انجام می‌گیرد. امروزه با ورود

تکنولوژی به روستا و استفاده از آن در تولید برنج از نقش زنان کاسته شده است. کشت برنج شامل مراحل آماده‌سازی، کاشت، داشت و برداشت است.

جدول شماره ۱: نیروی کار مورد نیاز در کاشت برنج در گروه‌های درآمدی

نیروی مورد نیاز / جنس گروه درآمدی	نفر مورد نیاز (روزکار)	مردان (درصد)	
		زنان (درصد)	مردان (درصد)
کم زمین	۲۴/۹	۷۶	۲۴
متوسط	۳۹/۷	۷۲/۱۵	۲۷/۸۵
مرفه	۱۵۷	۶۷/۴	۳۲/۶

آمار فوق نشان می‌دهد که سهم زنان در قشرهای مختلف روستایی در تولید برنج بیش از مردان است ولی هر چه میزان زمین خانوار بالاتر رود سهم زنان کمتر می‌شود.

### ۱-۱-۱) مراحل قبل از کاشت:

مراحل قبل از کاشت شامل شخم، دیسک، ماله کشی و لایروبی و زهکشی و مرزبندی و آبیاری است. سهم نیروی کار در آماده‌سازی زمین یا مراحل قبل از کاشت در گروه کم زمین ۸ درصد، در متوسط ۱۲/۶ درصد و در گروه مرفه ۱۲ درصد کل نیروی کار هر گروه است. به استثنای گروه کم زمین که زنان در ۲۰ درصد این قبیل کارها سهیمند در سایر گروه‌ها صد درصد مراحل قبل از کاشت برعهده مردان است.

### ۱-۱-۲) مراحل کاشت:

مراحل کاشت شامل تهیه خزانة و نشاءکاری است. سهم نیروی کار در مراحل کاشت گروه کم زمین ۲۸/۱ درصد، گروه متوسط ۲۵/۲ درصد و در گروه مرفه ۲۴/۲ درصد است. زنان در مراحل کاشت سهم ویژه‌ای نسبت به مردان دارند به طوری که در همه گروه‌های نمونه بین ۹۰ تا ۹۵ درصد سهم نیروی کار را به خود

اختصاص می دهند. به طور متوسط در بین تمام گروهها بین ۷۱ تا ۷۵ درصد کار تهیه خزانة را زنان برعهده دارند. کار نشاء نیز در تمام گروهها صددرصد به وسیله زنان انجام می گیرد و مردان در این کار دخالتی ندارند. نشاءکاری در گروه کم زمین ۲۰/۱ درصد، در متوسط ۱۷/۶۱ درصد و در مرفه ۱۹/۱ درصد کل نیروی کار هر گروه را تشکیل داده است.

### ۱ - ۱ - ۳) مراحل داشت:

مراحل داشت شامل کودپاشی، آبیاری، وجین و سم پاشی است. سهم نیروی کار در مراحل داشت در گروه کم زمین ۳۹ درصد، در متوسط ۳۴/۷ درصد و در مرفه ۳۶/۹ درصد کل نیروی کار هر گروه است. سهم زنان در داشت بسیار درخور توجه است و در تمام گروهها بیش از ۹۰ درصد است. در گروه کم زمین نزدیک به ۶۰ درصد کار کودپاشی و در گروه متوسط ۲۵ درصد این کار را زنان برعهده دارند ولی در گروه مرفه این کار صددرصد برعهده مردان است و وجین کاری که در دو نوبت انجام می شود. وجین اول در خرداد و وجین دوم در تیرماه انجام می گیرد. این کار صددرصد به عهده زنان است و مردان مشارکتی در آن ندارند. سمپاشی مزارع برنج عموماً کار مردان است. اما بررسی نشان می دهد که زنان در گروه کم زمین به یک نسبت با مردان و در گروه متوسط به نسبت ۴۰ به ۶۰ درصد در این فعالیت شرکت دارند.

### ۱ - ۱ - ۴) مراحل برداشت:

مراحل برداشت شامل درو و بسته بندی، حمل و خرمکوبی است. سفید کردن و پوسته گیری و خشک کردن برنج نیز در کارخانه انجام می شود. سهم نیروی کار در مراحل برداشت در گروه کم زمین ۲۴/۹ درصد، در گروه متوسط ۲۷/۵ درصد و در گروه مرفه ۲۶/۹ درصد کل نیروی کار هر گروه است. عموماً سهم زنان در برداشت کمتر از مردان است، به طوری که در گروه کم زمین ۴۰/۱ درصد، در گروه مرفه ۳۷/۹ درصد را نسبت به مردان تشکیل می دهند. کار درو و بسته بندی به طور مشترک توسط زنان و مردان

صورت می‌گیرد. به‌طور متوسط نزدیک به ۴۵ درصد از کار درو و بسته‌بندی به‌عهده زنان است. در گذشته کار خرمکوبی و برنجکوبی به‌وسیله زنان صورت می‌گرفت اما امروزه به‌دلیل وجود کارخانه برنجکوبی این وظیفه از عهده زنان روستایی برداشته شده است.

جدول شماره ۲: سهم زنان در جبران هزینه نیروی کار تولید برنج

سهم زنان (درصد)	متوسط هزینه نیروی کار (ریال)	متوسط اندازه زمین (هکتار) *	
۷۵	۱۰۰۸۲۵	۰/۱۸۱	گروه کم زمین
۷۲/۲۱	۱۵۷۴۵۰	۰/۳۱۸	گروه متوسط
۶۸/۲۱	۶۴۶۵۰۰	۱/۵	گروه مرفه

ارقام درج شده در این جدول، بیانگر رابطه معکوس بین متوسط اندازه برنج (هکتار) و سهم زنان در تولید است به‌عبارت دیگر، هر چه میزان برخورداری از زمین و تولید برنج افزایش پیدا می‌کند، میزان مشارکت زنان در امر تولید کاهش می‌یابد. این در حالی است که نیاز به نیروی کار در گروه مرفه بسیار بیشتر از گروه‌های پیشین است، زیرا متوسط زمین گروه متوسط تقریباً دو برابر گروه کم زمین و گروه مرفه در مقایسه با گروه کم زمین و متوسط به‌ترتیب هشت و پنج برابر است. با توجه به‌بالا بودن ضریب استفاده از نیروی بدنی در تولید محصول برنج، به‌نظر می‌رسد برخورداری از زمین بیشتر، که مترادف با رفاه بیشتر تلقی می‌شود، باعث گرایش به کار کمتر زنان گروه مرفه در تولید برنج است. با این حال نباید این نکته را از نظر دور داشت که دامنه تغییرات میزان مشارکت زنان در حد پایین و بالای گروه‌های زمیندار از نسبت بالایی برخوردار نیست، به‌طوری که در گروه کم زمین ۷۵ درصد یا به‌طور دقیق  $\frac{۲}{۳}$  از نیروی کار مورد نیاز در تولید برنج را زنان تأمین می‌کنند و در گروه مرفه این میزان تنها حدود ۷ درصد کمتر است. در تحلیل نهایی این نکته را نمی‌توان انکار کرد که قسمت عمده نیروی کار در تولید محصول برنج را زنان تأمین می‌کنند و این امر در گروه‌های مختلف تفاوت نمی‌کند.

جدول شماره ۳: نسبت نیروی کار زنان در فرآیند تولید برنج

نیروی کار دستمزدی			نیروی کار خانوادگی			نیروی کار / جنس
جمع	زن (درصد)	مزد (درصد)	جمع	زن (درصد)	مرد (درصد)	گروه‌های درآمدی
۲۷/۲۸	۲۲/۲۳	۴/۹۵	۷۲/۷۲	۵۲/۵۴	۲۰/۱۸	گروه کم زمین
۳۰/۱۷	۲۴/۷۶	۵/۴۱	۶۹/۹۳	۴۷/۳۶	۲۲/۳۸	گروه متوسط
۵۱/۲۷	۳۸/۵۱	۱۲/۷۶	۴۸/۷۲	۲۹/۷۰	۱۹/۰۳	گروه مرفه

ارقام جدول فوق نشانگر این است که در فراگرد تولید برنج به موازات افزایش درآمد (زمین) میزان مشارکت نیروی کار خانوادگی کاهش یافته و در مقابل استفاده از نیروی کار دستمزدی افزایش می‌یابد. این امر را می‌توان به بالا بودن توان مالی گروه متوسط نسبت به گروه کم زمین و گروه مرفه نسبت به گروه‌های قبل نسبت داد که باعث شده است استفاده از نیروی کار دستمزدی به نیروی کار خانوادگی ترجیح داده شود. به عنوان مثال، در فراگرد تولید برنج سهم زنان در نیروی کار خانوادگی در گروه کم زمین ۵۲/۵ درصد از کل نیروی کار است، این رقم در گروه متوسط به ۴۷/۵ درصد و در گروه مرفه به ۲۹/۷ درصد کاهش یافته است. یعنی، هر چه میزان درآمد افزایش می‌یابد، میزان مشارکت زنان نیز در فراگرد تولید برنج کاهش می‌یابد.

### نتیجه‌گیری:

- از مقایسه سهم زنان با مردان در هزینه نیروی کار هر گروه مشاهده می‌شود که در هر یک از گروه‌ها سهم زنان بیش از مردان است.
- نسبت سهم زنان قشر مرفه در هزینه نیروی کار کمتر از قشر متوسط و کم زمین است.

- هر چه زمین زیر کشت خانوارها کمتر باشد سهم نیروی کار خانوارها نسبت به هزینه‌های مربوط به نیروی کار دستمزدی بیشتر می‌شود و برعکس با افزایش سطح زیر کشت سهم نیروی کار خانوار نسبت به هزینه‌های دستمزدی سیر نزولی پیدا می‌کند.

- نسبت هزینه‌های دستمزدی زنان در هزینه نیروی کار در تمام گروهها بیش از نسبت مردان است.

### ۱ - ۲) کشت چای:

کشت چای شامل مراحل آماده‌سازی، داشت و برداشت است. در فعالیت چایکاری متوسط تعداد مطلق نسبی نیروی کار زنان در مراحل مختلف چایکاری بر مردان فزونی دارد. به‌طور کلی درصد فعالیت زنان نسبت به مردان در گروه کم زمین ۵۱/۵ به ۴۸/۵، در گروه متوسط ۶۱/۵ به ۳۸/۵ و در مرفه ۶۹/۶ به ۳۰/۴ است.

### ۱ - ۲ - ۱) مراحل آماده‌سازی:

مراحل آماده‌سازی شامل هرس و شخم است که زنان در این موارد هیچ دخالتی ندارند. سهم نیروی کار در مراحل آماده‌سازی باغات چای در گروه کم زمین و متوسط هر کدام ۱۰/۳ درصد و در مرفه ۹ درصد است.

### ۱ - ۲ - ۲) مراحل داشت:

مراحل داشت شامل کودپاشی، وجین، و «بلو زدن» است. سهم نیروی کار در مراحل داشت و در گروه کم زمین ۴۰/۲ درصد در متوسط ۳۸/۴ درصد و در مرفه ۳۷/۶ درصد کل نیروی کار هر گروه است.

سهم نیروی کار کودپاشی در گروه کم زمین ۳/۱ و درصد گروه متوسط ۳/۲ درصد و در گروه مرفه ۲/۶ درصد کل نیروی کار هر گروه است. کودپاشی در چای کاری اساساً به‌عهده زنان است ولی در صورت تراکم کار از نیروی کار مردان نیز استفاده می‌شود. در مرحله وجین و بلو زدن که در ۳ نوبت انجام می‌شود،

سهم نیروی کار گروه کم زمین ۲۶/۸ درصد، گروه متوسط ۲۶/۲ درصد و گروه مرفه ۲۷/۱ درصد کل نیروی کار است. این کار عموماً توسط زنان انجام می‌شود.

### ۱- ۲- ۳) مراحل برداشت:

برداشت محصول چای شامل برگ‌چینی است که در سه مرحله بهار، تابستان و پائیز انجام می‌گیرد. سهم نیروی کار در مرحله برداشت در گروه کم زمین ۴۹/۵ درصد، در گروه متوسط ۵۱/۳ درصد و در گروه ۵۳/۴ درصد کل نیروی کار هر گروه است. برگ‌چینی از جمله وظایفی است که زنان سهم عمده‌ای در آن دارند به طوری که زنان در برگ‌چینی گروه کم زمین ۵۸/۴ درصد، متوسط ۷۸/۸ درصد و در گروه مرفه ۷۵/۵ درصد سهم دارند.

جدول شماره ۴: نسبت نیروی کار زنان در فرآیند تولید برنج

نیروی کار مورد نیاز (نفر روز کار)	سهم زنان (درصد)	متوسط هزینه نیروی کار (ریال)	متوسط اندازه زمین (هکتار)	
۴۸/۵	۴۳	۸۴۳۰۰۰	۰/۱۱۵	گروه کم زمین
۱۵۶	۴۸/۶۹	۲۵۶۹۰۰	۰/۴	گروه متوسط
۶۰۹	۵۶/۷۸	۹۷۳۰۰۰	۱/۶	گروه مرفه

با توجه به ارقام درج شده در جدول بالا می‌توان اظهار داشت که افزایش میزان زمین زیر کشت چای با افزایش نیروی کار مورد نیاز برای تولید چای همبستگی مستقیم دارد و هر چه زمین زیر کشت افزایش پیدا می‌کند، نیروی کار مورد نیاز برای کشت چای نیز افزایش پیدا می‌کند. از طرف دیگر، به موازات افزایش میزان درآمد و به تبع آن متوسط سطح زیر کشت چای، سهم زنان در فراگرد تولید نیز افزایش می‌یابد. در حالی که سهم زنان در فراگرد تولید در گروه کم زمین ۴۳ درصد از کل نیروی کار را به خود اختصاص داده است، این رقم با حدود ۵ درصد افزایش در گروه متوسط به ۴۸/۷ درصد و با حدود ۱۴

درصد افزایش در گروه مرفه به  $56/8$  درصد بالغ شده است. با توجه به اطلاعات جدول بعد (شماره ۵) در تبیین علل بالا بودن سهم زنان در تولید چای در گروه مرفه می‌توان به این نکته اشاره کرد که بیش از  $\frac{2}{3}$  نیروی کار مورد نظر به صورت دستمزدی تأمین می‌شود و علی‌رغم بالا بودن سهم زنان در این فرایند، مسئولیت عمده آن متوجه کارکنان مزدبگیر است.

جدول شماره ۵: مقایسه نسبت نیروی کار زنان در فرآیند تولید چای»

نیروی کار دستمزدی			نیروی کار خانوادگی			نیروی کار / جنس
جمع	زن (درصد)	مزد (درصد)	جمع	زن (درصد)	مرد (درصد)	گروه درآمدی
۱۵	۳/۵	۱۱/۵	۸۵	۳۹/۵	۴۵/۵	گروه کم زمین
۳۳/۱۲	۱۸/۳۳	۱۴/۹۷	۶۶/۸۸	۳۰/۳۶	۳۶/۵۲	گروه متوسط
۷۱/۳۸	۴۳/۶۳	۲۷/۷۵	۲۸/۶۲	۱۳/۱۵	۱۵/۴۷	گروه مرفه

ارقام جدول فوق نشانگر این است که در فراگرد تولید چای به موازات افزایش درآمد، میزان مشارکت نیروی کار خانوادگی کاهش یافته و در مقابل استفاده از نیروی کار دستمزدی افزایش می‌یابد. این امر را می‌توان ناشی از توان مالی گروه متوسط نسبت به گروه کم زمین و گروه مرفه نسبت به دو گروه قبل دانست که باعث می‌شود استفاده از نیروی کار دستمزدی به نیروی کار خانوادگی ترجیح داده شود. به عنوان مثال در فراگرد تولید چای سهم زنان در نیروی کار خانوادگی در گروه کم زمین  $39/5$  درصد از کل نیروی کار است. این رقم در گروه متوسط به  $30/36$  و در گروه مرفه به  $13/15$  درصد کاهش یافته است. و برعکس استفاده از نیروی کار دستمزدی در گروه کم زمین  $3/5$  درصد را شامل می‌شود که این نسبت در دو گروه متوسط و فقیر به ترتیب از  $18/33$  به  $43/63$  درصد افزایش یافته است.



## نتیجه‌گیری:

- هر چه درآمد (زمین) افزایش یابد استفاده از نیروی کار خانوادگی (زن و مرد) کاهش می‌یابد. و برعکس استفاده از نیروی کار دستمزدی (زن و مرد) افزایش می‌یابد.

- سهم زنان گروه مرفه در هزینه‌های نیروی کار بیش از سهم زنان دو گروه دیگر است، که دلیل آن استفاده از نیروی کار زنان دستمزدی است.

- در همه‌گروهها سهم زنان خانوار (نیروی کار خانوادگی) در هزینه‌های نیروی کار کمتر از مردان است.

- نسبت هزینه‌های دستمزدی زنان در هزینه‌های نیروی کار دو گروه مرفه و متوسط بیش از نسبت مردان مزدبگیر این گروه‌ها است و در گروه کم زمین نسبت مردان بیش از زنان در این هزینه‌ها است.

### ۱ - ۳) پرورش کرم ابریشم (نوغانداری)

کار پرورش نوغان یا کرم ابریشم از اوایل اردیبهشت ماه آغاز می‌شود و به مدت ۴۵ تا ۵۳ روز ادامه می‌یابد. نوغانداری شامل مراحل تفریح، کرم جوان، کرم بالغ، پيله تنی و برداشت است.

مرحله تفریح که همان در آمدن کرم از تخم و مراقبت از آن است به وسیله مردان انجام می‌شود و زنان هیچ نقشی در آن ندارند. در مرحله کرم جوان زنان در ریز کردن برگها و تمیز کردن جعبه‌ها کمک می‌کنند. در مرحله سوم یا مرحله کرم بالغ زنان در تمیز کردن بستر و دادن برگ توت در تلمبار به مردان کمک می‌کنند. در مرحله پيله تنی تمام عملیات و کارها توسط مردان انجام می‌شود. در مرحله برداشت یا کج چینی تمام افراد خانوار به کمک هم می‌آیند تا پيله‌ها را جمع‌آوری کنند.

به‌طورکلی سهم زنان در تمام مراحل نوغانداری ۳۴ درصد و سهم مردان ۶۶ درصد است. و در

مراحل مختلف مثل مرحله کرم جوان ۵۰ درصد با زن و ۵۰ درصد با مرد است و در مرحله کرم بالغ ۲۲ درصد کار با زن و ۷۸ درصد با مرد است و در مرحله برداشت ۶۲ درصد کار را زن و ۳۸ درصد آن را مرد خانوار انجام می‌دهد.

## ۲) فعالیتهای معیشتی:

زراعت و باغداری و پرورش نوغان همراه با شرایط اقلیمی گرم و مرطوب زنان را به فعالیتهای جنبی حصیربافی، ابریشم‌ریسی، بافندگی و گلدوزی مشغول کرده است. به‌طورکلی تمامی فعالیتهایی که در زمینه صنایع دستی انجام می‌شود توسط زنان صورت می‌گیرد و فقط در صورتی که نیاز به تهیه مواد اولیه از بازار باشد برای خرید این مواد از مردان کمک می‌گیرند.

عمده‌ترین فعالیت دستی در این روستا حصیربافی است که برای کف‌پوش اطاقها و ایوانها مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نوع فعالیت توسط زنان ۱۵ - ۴۵ ساله خانوار بدون دریافت دستمزد انجام می‌شود و زنان مسن و دختر بچه‌های ۱۰ - ۱۴ ساله در آن سهمی ندارند. با در نظر گرفتن ۳۸ درصد ارزش مواد اولیه ۶۲ درصد ارزش مربوط به کار زنان در حصیربافی هر یک از خانوارهای کم زمین، متوسط و مرفه است.

کج‌ریسی یکی دیگر از فعالیتهای دستی است که زنان در آن فعالیت دارند. زنان مسن با جوشاندن و خشک کردن پيله‌ها با وسیله‌ای چوبی به‌اسم دوک آن را در اوقات بیکاری می‌ریسند. از جمله صنایع دستی دیگر در آهندان کار بافندگی و گلدوزی و ساختن جارو از کلش است.

از فعالیتهای جنبی که زنان در آن نقش مؤثری دارند و در کنار کار کشاورزی انجام می‌پذیرد دامداری و سبزیکاری است. در مورد دامداری تقسیم کار براساس سن و جنس است. رؤسای خانوار در تهیه علوفه و حمل آن شرکت دارند. نگاهداری که شامل نظافت طویله، جمع‌آوری فضولات و تعلیف دام است به‌عهده زنان است. شیر دوشی عمدتاً توسط زنان انجام می‌گیرد. تهیه لبنیات که شامل کره و شیر

است از وظایف مادر خانواده است و سایر اعضای خانواده در انجام این کار سهمی ندارند. کل ساعات کار روزانه خانوارهای آهندانی که صرف دامداری می شود در خانوارهای بی زمین به طور متوسط  $2\frac{3}{4}$  ساعت است که ۵۳ درصد را مردان و ۴۷ درصد آن را زنان انجام می دهند. ساعات کار خانوارهای کم زمین  $4\frac{1}{4}$  ساعت در روز است که ۳۵ درصد را مردان و ۶۵ درصد را زنان به عهده دارند. در خانوارهای متوسط ساعات کار دامداری نسبت به خانوارهای کم زمین کاهش می یابد و به  $3\frac{3}{4}$  ساعت در روز می رسد که ۲۸ درصد آن توسط مرد و ۷۲ درصد بوسیله زن صورت می گیرد. در خانوارهای مرفه از مجموع ۱۵ ساعت کار روزانه ۴۴ درصد را مرد و ۵۶ درصد را زن به عهده دارد.

سبزیکاری نیز از جمله فعالیتهای معیشتی است که زنان روستایی آهندان در آن فعالیت بسزایی دارند.

### ۳) کارهای خانگی یا خانه داری:

زنان آهندانی علاوه بر مشارکت در تولید تجاری یعنی کشت برنج، چای و نوغانداری و سایر فعالیتهای دیگر نظیر صنایع دستی، دامداری و طیور داری و سبزیکاری نقشی فعال و بارز دارند و همچنین عهده دار انجام وظایف خانه داری یعنی آشپزی، نظافت و نگهداری و تربیت کودکان هستند. به طور کلی وظایف خانه داری زنان این روستا در دو فصل بیکاری و کار متفاوت است.

در فصل کار به دلیل مشارکت زنان در کار کشاورزی و کارهای جانبی وظیفه پخت غذا و تهیه نهار عمدتاً به عهده دختران جوان و یا سالخوردگان است. جارو کشی، نظافت خانه، نیز از کارهای روزمره این فصل است.

در فصل بیکاری که تقریباً از اواخر مهر ماه آغاز می شود و تا اواخر اسفند ماه ادامه می یابد، زن آهندانی همچنان فعال و کارآمد است. و نباید تصور کرد فصل بیکاری به معنای بیکار بودن یا بیکار ماندن زنان است در این فصل فعالیتهای زنان آهندانی عبارت است از:

حصیربافی، کج‌ریسی، تهیه و تولید مواد غذایی مانند ترش‌یها، مرباها، چای دست‌پیچ، پوست کندن گردو و کوبیدن آن تعمیر و سفیدکاری دیوار منازل، شستشو و نظافت خانه.

### نتیجه‌گیری:

- ۱- در روستای آهندان ۲۵/۳ درصد جمعیت فعال را (از کل ۴۹ درصد جمعیت فعال) زنان تشکیل می‌دهند و بیشترین درصد ایشان (حدود ۲۱ درصد) در طبقه کارکن خانوادگی بدون مزد جای می‌گیرند.
- ۲- در زراعت برنج مراحل تهیه بذر خزانه، کودپاشی در خزانه، نشاء زدن و وجین کلاً به‌عهده زنان است و همچنین زنان در امر برداشت و خرمن‌کوبی محصول دوش به‌دوش مردان فعالیت می‌کنند.
- ۳- در چایکاری، کودپاشی مزارع، وجین و چیدن چای از وظایف زنانه محسوب می‌شود و به‌ندرت مردان در این‌گونه فعالیتها شرکت می‌کنند.
- ۴- برخلاف برنج و چای، نوغانداری، کلاً فعالیتی مردانه محسوب می‌شود، ولی با این همه، زنان در امر خرد کردن برگها، غذا دادن به کره‌ها و پیله‌چینی فعالیت دارند.
- ۵- بررسی ما از انواع نیروی کار، در روستای آهندان، نشان می‌دهد که در این روستا به ترتیب سه نوع نیروی کار یعنی خانوادگی، دستمزدی و یآوری وجود دارد که زنان در هر سه مورد، خصوصاً خانوادگی، مزد بگیری، در مقایسه با مردان سهم بیشتری از نیروی کار را اشغال می‌کنند.
- ۶- در هزینه‌های مربوط به نیروی کار، سهم زنان در مقایسه با مردان بیشتر است، یعنی هزینه مزد زنان خانوادگی بیش از مردان خانوادگی (در صورتی که برای آنها

مزدی در نظر گرفته شود) و سهم زنان مزد بگیر نیز بیش از مردان مزد بگیر است. در واقع سهم زنان خانوار در کاهش هزینه‌های تولیدی، چشمگیر است، به طوری که چه در زراعت برنج و چه در زراعت چای، اگر رئیس خانوار در مقابل کار زنان خانوار، به ایشان مزد می‌پرداخت، زراعتش مقرون به صرفه نمی‌شد. این وضعیت خصوصاً در مورد خانوارهای کم زمین و متوسط روستا یعنی ۷۶٪ خانوارها صدق می‌کند.

۷- بررسی حاضر نشان می‌دهد که فعالیت زنان خانواده به عنوان کارکن خانوادگی بدون مزد در کلیه این امور از قبیل، دامداری، صنایع دستی، خانه‌داری، سبزیکاری، طیورداری و غیره... بیش از مردان است و در صورت پرداخت دستمزد به زن و یا استخدام کارگر هزینه تولید این قبیل فعالیتها بیش از درآمد آن خواهد بود.

۸- در این روستا دو نوع ساخت خانواده وجود دارد، یکی خانواده پدر مکانی مستقل که فرزندان فقط در داشتن زمین مستقل هستند و دیگری خانواده زن و شوهری است. در این روستا اکثریت خانواده‌های کم زمین، ازدواج فامیلی و اکثر خانواده‌های متوسط و مرفه با هم‌ولایتی خویش ازدواج کرده‌اند.

۹- با اینکه زنان در امور تولیدی بسیار فعال و کارآمد هستند، اما نقش آنها در تصمیم‌گیریهای کلیدی مثل فروش محصول، خرید نهادها و وسائل کشاورزی، خرید لوازم سنگین منزل، تحصیل و ازدواج فرزندان ناچیز است.

۱۰- بررسی گرایشات زنان روستایی نشان می‌دهد که در نظر ایشان، انجام فعالیت‌های کشاورزی، مهمترین نقش زنان روستایی است. اما از سوی دیگر آرزو دارند که دخترانشان در آینده به مشاغل غیر کشاورزی همچون طبابت، معلمی،

پرستاری و... روی آورند.

### پیشنهادها:

- ۱ - مسلماً آسفالت و راه اندازی جاده اصلی آهندان، در بهبود رفت و آمد روستاییان، احداث و راه اندازی مراکز عمرانی بسیار مؤثر است.
- ۲ - علاوه بر تأسیس دبیرستان در روستا، لازم است تا روش آموزشی از طریق تشکیل کلاسهای آموزشی کشاورزی تقویت شود.
- ۳ - مبارزه با بیماریها در این روستا را باید در راستای دو مورد پیشگیری و درمان دنبال کرد. از طرفی احداث درمانگاه یا مطب و تأمین دارو و وسایل پزشکی باید مورد توجه قرار گیرد.
- ۴ - فعال شدن شرکت تعاونی روستا از طریق مشارکت هر چه بیشتر کشاورزان در اداره آن و تأمین نیازهای تولیدی ایشان.
- ۵ - احداث و راه اندازی صنایع کشاورزی که در کنار فعالیتهای زراعی روستاییان بتوانند در فصل بیکاری از نیروی کار مردان و زنان روستایی استفاده کند. و از طرفی به درآمد آنها نیز کمک کند.